

از حضرت استاد علامه

آقای سید محمد حسین طباطبائی

متممه، یا ازدواج موقت

در بهمن ماه سال ۱۳۴۲ روزنامه کیهان یدنبال اظهار نظر دکتر «راسل لی» (راجع به اینکه انسان از نوع موجوداتیست که طبیعتاً بیک زن نمیتواند قناعت کند) ستونی برای بحث آزاد در پیرامون این مسئله باز کرد و اعلان نمود که نظرات موافق و مخالف را درج میکند .

طبعاً بحث به مسئله متممه (ازدواج موقت که شیعه آنرا تجویز نمیکند) کشیده شد، در این میان آقای مردوخ که یکی از علمای اهل تسنن کردستان است، ضمن یک مقاله مفصلی، به نظر فقهای شیعه در موضوع تجویز متممه، سخت تاخت و تاز کرد، از حضرت استاد علامه طباطبائی تبریزی تقاضا شد که جواب آقای مردوخ را بنویسند، ولی پس از تهیه مقاله ایشان (همانطور که بادر نظر داشتن اینکه مدیر روزنامه خود سنی مذهب است انتظار میرفت) این ستون بحث آزاد بسته شد و جواب معظم له درج نگردید .

و اینک مسالین مقاله ارزنده را باضافه مطالبی که پیرامون جزوه علیحدہ ای بقلم همین آقای مردوخ درباره متممه، یادداشت کرده اند، برای قضاوت خوانندگان محترم مکتب تشیع درج میکنیم:

در شماره ۶۱۶۹-۲۴ بهمن ۱۳۴۲ روزنامه کیهان مقاله ای با مضاء
آقای مردوخ که در خلال آن بمذهب تشیع که نکاح متعده را تجویز
میکند، تاخته بود بنظر رسید.

آقای مردوخ سخنان خود را بشکل استدلال انداخته است ولی
متأسفانه در بحثی که تقریباً هزار و چهارصد سال است در میان دانشمندان
دومذهب بزرگ شیعه و سنی مطرح میباشد پایه استدلال خود را روی
مطالبی قرار داده که در همان روزهای نخستین بروز اختلاف گفته
و صدها مرتبه پاسخ داده شده، و در کتب فقهی و کلامی دوطائفه درج
گردیده است

ما تنه راهی که برای حمل بصحت این رویه پیدا کردیم اینست که
بگوئیم: معظم له مطالعه کافی در اطراف این بحث وسیع نداشته و بمقتضای
تعصب مذهبی با چند کلمه ای که درین خصوص بگوشش خورده و پسندیده
و بخیال اینکه دانشمندان شیعه خبری ازین سخنان ندارند، خواسته دسته
گلی بخوانند گان گرامی روزنامه اهدا نماید.

شاهد این سخن روایت خنده داری است که در آغاز بحث نقل کرده:

(متعتان کانتا علی عهد رسول الله جلالا وانا احررهما و اعاقب علیهما
المتعة و لحم الاحمر الانسیة)

چه، صدر روایت را از خطبه ای که از خلیفه ثانی نقل شده
و ذیل روایت را از روایتی که از امیر المؤمنین علی علیه السلام در بخاری و غیر آن
در تحریم متعه از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده برداشته و مجموع را بشکل
یک روایت خنده داری بعلمای تشیع نسبت داده است!

ترجمه اصل خطبه خلیفه ثانی اینست: «دو نوع متعه است که در زمان

رسول خدا حلال بودند و من آنها را حرام میکنم و مرتکبین آنها را مجازات خواهم کرد آن دو متعه، **متعۀ حج** (حج تمتع) و **متعۀ زنان** می باشد.»

و ترجمۀ آن قسمت که از علی رضی الله عنه نقل کرده اند اینست: «رسول خدا روز خبیر از متعۀ زنان و گوشت خرهای اهلی نهی فرمود.»
و ترجمۀ خطبه که آقای مردوخ آورده اینست: خلیفۀ دوم گفت: دو نوع متعه است که در زمان رسول خدا حلال بودند و من آنها را حرام میکنم و مرتکبین آنها را مجازات خواهم کرد آن دو متعه، متعه و گوشت خرهای اهلی است.»

بنابر این تکلیف کسی که بخواهد با چنین منطقی روبرو شده وارد بحث شود معلوم است،

و ما برای روشن شدن کسانی که در این گونه مسائل مطالعۀ کافی ندارند بطور اجمال در اطراف سخنان معظم له نذا کراتی میدهم و اگر کسی نیز در تذکرات سخنی یا اعتراضی داشته باشد با آغوش باز استقبال کرده برای بحث و تفصیل آماده هستیم.

آقای مردوخ می گوید: «اگر عمل متعه منهی عنه نبود عموم مسلمین عمل میکردند و فقط بفرقه شیعه اختصاص پیدا نمیکرد.»

آری پیش از نهی خلیفۀ ثانی، عموم مسلمین و صحابه پیغمبر عمل میکردند که از آن جمله خلیفۀ اول بود که دختر خود «اسماء» را بزبیر که صحابی دیگر بود متعه داد و **عبدالله بن زبیر** که باز از صحابه بود ازین متعه بوجود آمد.

ولی پس از نهی خلیفۀ ثانی هواخواهان او ترك كردند و شیعه این نهی

را نپذیرفت.

با اینهمه، پس از نهی عمر نیز جمعی از صحابه مانند **علیؑ** و **ابن عباس** و **ابن مسعود** و **جابر** و **عمر** و **بن حریث** و همچنین از علماء تابعین مانند **مجاهد** و **سدی** و **سعید بن جبیر** و **ابن جریر** باز قائل بجواز بوده اند .

آقای مردوخ میگوید : تصور می‌رود که این هم یکی از القائات **عبدالله بن سبأ** یهودی باشد الی آخر

باید توجه داشت که این **عبدالله بن سبا** آدمی است موهوم و شخصیتی است خرافی و افسانه‌ای که امویان و علماء معاصر ایشان برای توجیه فتنه‌های صدر اسلام که منجر بقتل **خلیفه سوم** گردید این شخص پنداری را قهرمان این داستا نها قرار داده و واضح مذ هب تشیع فرض کرده اند .

ولی اخیراً دانشمندان حتی از خود اهل تسنن مانند دانشمندان معروف طه حسین و دیگران ، خرافی و افسانه ای بودن شخصیت ابن سبا را از روی شواهد تاریخی بثبوت رسانده اند (بکتاب **الفتنة الكبرى** نوشته طه حسین و وعاظ السلاطین نوشته دکتر وردی و کتاب **عبدالله سبا تألیف آقای عسکری** مراجعه شود) .

آقای مردوخ میگوید : عمر چگونه می‌تواند بدون مجوز، حلال را حرام یا حرام را حلال کند ؟

خلیفه ثانی چنانکه برخی از دانشمندان اخیر سنی نیز اعتراف کرده اند در جائی که بعقیده خود صلاح میدانست احکام را تغییر میداد حتی در برابر نص صریح خدا و رسول، چنانکه صاحب **فجر الاسلام** و صاحب

تفسیر منار تصریح کرده اند و موارد زیادی در تاریخش برای صحت این ادعا بچشم میخورد .

و علماء شیعه این خطبه را از کتب علماء سنی نقل کرده اند نه از کتب علماء شیعه ، و سیاق خطبه در نهایت روشنی نشان میدهد که مسئله نهی از متعه، از طرف خلیفه بعنوان نهی از منکر نبوده بلکه تصمیمی بوده که بموجب اقتضای سیاست وقت از پیش خود گرفته است .

خلیفه دوم در خطبه خود میگوید : دو نوع متعه بودند که در زمان پیغمبر بودند و من ! از آنها نهی و مرتکبین را مجازات میکنم ، آن دو نوع متعه، متعه زنان و متعه حج میباشد .

هر انسان زبان فہمی میفہمد کہ منظور اینست کہ در زمان پیغمبر مشروع بودند و من تحریم میکنم نه اینکه حرام بودند و مردم میکردند و پیغمبر و صحابه تماشا میکردند و اکنون من بعنوان نهی از منکر حرمت آنرا ابلاغ میکنم .

علاوه بر این در روایتهای زیادی که از طرق اهل سنت روایت شده خلیفه دوم مجازات مرتکب متعه را رجم (سنگسار نمودن) قرار داده (۱) و برای اجراء این حد سو گند نیز یاد کرده است .

در صورتیکه مجازات رجم با هیچ دلیلی وفق نمیدهد حتی علماء تسنن جرأت نکرده اند که فتوای رجم مرتکب متعه را بدهند و گفته اند خلیفه ثانی بعنوان تهدید صوری این حرف را زده نه بعنوان حد .

و اینکه آقای مردوخ نوشته که : خلیفه ثانی در بالای منبر گفته :

(۱) بجلد چهارم تفسیر المیزان عربی و بلاد هفتم ترجمه اش رجوع

« هر کس در مورد سهو و خطا بمن تذکر دهد سپاس گزار خواهم شد » دلالتی برای مطلب ایشان ندارد زیرا خلیفه هر گز نگفته که هر چه گفتند میپذیرم .

آقای مردوخ میگوید : « در صحیح بخاری که از کتاب تاریخ کمتر نیست مذکور است که راوی حرمت متعۀ خود حضرت علی بوده . »

اولاً صحیح بخاری حدیث است و حدیث را بعد از جرح و تعدیل باید پذیرفت نه سرسری و بیچون و چرا

همین صحیح بخاری است که روایت میکند بیت المقدس چهل سال پس از کعبه بنا شده است و حال آنکه مسلم است بانی کعبه ابراهیم و بانی بیت المقدس داود و سلیمان بوده اند و تقریباً هزاران سال میان شان فاصله است .

و نیز روایت میکند از عایشه که گفت شب معراج پیغمبر شب تا صبح در بستر خواب پهلوی من خوابیده بود و حال آنکه مسلم است که معراج قبل از هجرت بوده و عایشه مدتی پس از هجرت بخانه پیغمبر آمده است .

و در صحیح مسلم از علی رضی الله عنه نقیض آنچه در صحیح بخاری است نقل شده و این جمله معروف را از آن حضرت روایت کرده: « **لولا ان عمر نهی عن المتعۀ ما زنی الاشقی** » اگر عمر از متعۀ منهی نمیکرد جز کسان بدبخت کسی زنا نمیکرد .

آقای مردوخ میگوید : معنی آیه « **فما استمتعتم به منهن** » چنانکه شیعه میگوید مسئله متعۀ زنان نیست ، بلکه مراد اینست که

اگر زن مدخوله باشد ، تمام مهر را باید داد .

این بحثی است که بادیات عربی ارتباط دارد و ما این بحث را تفصیلاً در **تفسیر المیزان** جلد چهارم در تفسیر سوره نساء استیفاء کرده ایم و نظر باینکه اغلب خوانندگان ، فارسی زبان میباشند از بحث تفصیلی خودداری میکنیم .

فقط بطور اجمال میگوئیم که مفسرین صدر اسلام مانند ابن عباس و ابن مسعود و ابی که از صحابه بوده اند و مانند مجاهد و قتاده و سدی و ابن جبیر که از تابعین مقارن زمان نزول قرآن و عربی زبان بوده اند و از آقای مردوخ که یکتفر کرد است و هزار و چهار صدسال بعد بوجود آمده ، بزبان عربی خودشان آشناتر بوده اند ، همگی از آیه معنی **متع** معمولی را فهمیده اند ؛ نه معنی دخول را و از اینجا است که هوا خواهان خلیفه ثانی در صدر اسلام برای اصلاح حکمی که صادر کرده بود مدعی نسخ آیه **متع** شده اند و هرگز نگفته اند که آیه دلالت بر **متع** ندارد .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

علاوه بر این ، اینکه آقای مردوخ گفته : « استمتاع و تمتع بمعنی تلذذ است و مقصود از آن دخول و مباشرت است » معنائی است غلط ، این دو کلمه دو بنای مختلف دارند و طبعاً دو معنای مختلف

معنی استمتاع خواستن لذت است و معنی تمتع بردن لذت و ازین روی هرگز استمتاع در مورد دخول که بردن لذت است استعمال نمیشود .

آقای مردوخ میگوید : زوجیت در اسلام آثاری دارد که هیچ کدام از آنها در **متع** نیست مانند توارث و نفقه و عده و محدودیت بچهار

زن و غیر آنها پس عمل متعہ زوجیت نیست و چون زوجیت نیست و **ملك یمین ہم** کہ نیست . بہ وجب آیہ شریفہ «**الاعلیٰ ازواجہم او ماملکت ایمانہم**» سورہ مؤمنون کہ آمیزش جنسی جائز را در زوجیت و ملک یمین منحصر میکند ممنوع است و حکم زنا دارد»

این دلیل از قدیمی ترین مغالطہ ہا است کہ تقریباً چہارہ قرن پیش بافتہ شدہ است و شاید از طرف شیعہ ہم چہارہ ہزار مرتبہ جواب دادہ شدہ ، باز آقایان دست برداشتہ مکرر میکنند .

اولاً آثاری کہ برای زوجیت شمرده شرعاً آثار زوجیت دائمی است نہ مطلق زوجیت و خود آقای مردوخ ہم معترف است کہ وقتی کہ متعہ در زمان رسول خدا بقول خودشان قبل از نہی پیغمبر دائر و جائز بودہ این آثار رانداشتہ است و شاہدما روایات خود اہل سنت است

و ثانیاً خود آیہ ای کہ تہسک کردہ دلیل اینست کہ عمل متعہ زوجیت است ، زیر امتعہ اگر در اسلام تحریم شدہ باشد بطور قطع بعد از ہجرت بودہ بشہادت روایتہای خودشان در جنگ خیبر یاد عمرہ قضایا در جنگ او طاس یاد فتح مکہ یاد رحیۃ الوداع باختلاف روایات و چون سورہ مؤمنون در مکہ قبل از ہجرت نازل شدہ و وقتی ہم بودہ کہ متعہ جائز بودہ لہذا قطعاً زوجیت محسوب میشدہ است .

آقای مردوخ میگوید : عمل متعہ زنا بودہ است و پیغمبر اکرم بعنوان اکل میتہ موقتاً اجازہ دادہ پس از ارتفاع ضرورت حرمت آنرا اعلام داشتہ است .

اینہم تہمتی است کہ برای اصلاح اشتباہی کہ روز اول شدہ بی -
باکانہ بر رسول خدا میزند زیرا از ہمان روزہای نخستین ظہور اسلام خدای

متعال درسوره‌های مکی مانند سوره مؤمنون و اسراء و فرقان و معارج و غیر آنها، زنارا فحشاء معرفی فرموده و بطور قطع تحریم کرده است.

و باز در چند جای قرآن کریم مانند سوره اسرائیل و مائده و غیره پیغمبر را از کمترین تصرف در احکام قرآن بالحنی بسیار تندمنع نموده است و هرگز مسلمانی نباید جرأت کرده بگوید پیغمبر اکرم هر چند روز یکمرتبه اجازه زنارا صادر میکرده و از همه جلو تر اصحاب خود پیغمبر اکرم مانند ابی بکر و زبیر و جابر و ابن مسعود و غیر اینها بسوی این عمل زشت هجوم میآوردند یکی دختر میداد و یکی عمل میکرد و یکی ازین عمل بوجود میآمد! مانند عبد الله بن زبیر صحابی که از اسماء مله دختر ابی بکر متعه زبیر بوجود آمده البته یکنفر شیعه مذهب چنین قانون شکنی و خود سری را بساحت پیغمبر اکرم نسبت داده و رسوائی بیار نمی آورد.

غیر از آنچه گذشت اگر بنظروسیعی بجهان بشریت نگاه کرده دقت نمائیم عیاناً خواهیم دید که در جامعه بشری آمیزش جنسی را باز دواج دائمی نمی توان محدود ساخت و هر گونه آمیزش دیگری را غیر قانونی شمر دو هر گز دائر بودن ازدواج دائمی نمیتواند این غریزه جنسی را اقناع کرده پاسخ دهد .

با اینکه ازدواج دائمی در همه جهان متداول است و افکار عمومی عمل زنارا تقبیح میکند دولتهای رسمی در هیچ يك از کشورهای جهان متمدن و نیمه متمدن با هیچ وسیله ای نتوانسته اند از شیوع آمیزشهای موقتی جلو گیری کنند و در همه شهرهای بزرگ و کوچک جهان مراکز آسکار یا پنهان برای فحشاء وجود دارد .

در این صورت مذهبی مانند اسلام که جهانی و همیشگی است و می‌خواهد آمیزش جنسی را با ازدواج محدود سازد و مطلقاً از زنا جلو گیری کند، ناگزیر است ازدواج موقتی را با شرایط خاصی که رفع مفاسد زنا را می‌کند (مانند محرم و شوهر دار نبودن زن و تعیین مهر و عده پس از مفارقت) در میان قوانین خود بگنجاند تا پاسخ کافی باقتضای این غریزه عمومی بدهد.

در تفسیر طبری و همچنین در روایات شیعه از علی ع منقول است فرمود: «اگر خلیفه دوم از ازدواج موقت نهی نمی‌کرد تنها کسانی زنا می‌کردند که از گمراهی مشرف بهلاکت باشند».

در خاتمه بملاحظه اینکه آقای مردوخ در خاتمه کلام خود فتوای وجوب می‌دهد که علماء شیعه در این مسئله و مسائل مورد خلاف دیگر تجدید نظر کنند، می‌گوئیم:

علماء شیعه برخلاف حضرات، در اجتهاد را باز میدانند و بی‌اینکه که در انتظار فتوای ایشان باشند، پیوسته اعمال نظر میکنند و لسی متاسفانه در مقابل مسئله‌ای که مانند آفتاب روشن است نمی‌توان نظر مخالف ابراز کرد.

ما بطور متقابل از آقای مردوخ استدعا می‌کنیم که در نوشته های خود قلم را رعایت کرده ادب محاوره را از دست ندهند.

ایشان در يك مقاله بسیار كوچك گاهی شیعه را تکفیر کرده‌اند و گاهی بفساد نسب و حرامزادگی معرفی نموده‌اند و دامنه فحاشی را تا بدختر و خواهر و خویشاوندان علماء شیعه رسانده و در ماجرا جوئی هیچگونه فرو گذاری نکرده‌اند.

اگر راستی سنگ اتحاد اسلام و رفع اختلافات داخلی بسینه‌میز نند،
 از اینگونه ناروا و ناسزا گوئیها خودداری کنند .
 زیرا اولاً هتک حرمتی است نسبت بساحت رسول خدا و صحابه کبار
 آن حضرت؛ که مقنن و مجریان اولی این مسئله بوده‌اند .
 و ثانیاً عامل اصلی اینهمه کدورت و کینه میان دو مذهب همین
 سخنان است که وقتی بگوش عوام میرسد جهانی رازیر و رومیکند و گرنه
 اختلاف نظر در چند مسئله فرعی اینهمه غوغا برپا نمیکرد .

محمد حسین طباطبائی



ژویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی